

تیمارستان نوبل

<http://www.fondsk.ru/news/2012/10/14/nobelevskij-sumasshedshij-dom.html>

۲۶ میزان ۱۳۹۱

یک خبر غیرمنتظره عجیب از کمیته نوبل: جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا...، سازمانی که ۲۷ کشور اروپائی را در خود جمع کرده و، طبق اساسنامه، موظف به حل و فصل مناقشات نظامی- سیاسی بین المللی نیست، اعطاء گردید. اتحادیه اروپا حتی دارای یک نهاد، به سخن دیگر، یک سازمان نظامی خاص خود نمی باشد تا به امر «برقراری صلح» مشغول بشود. اتحادیه قوم و خویشی اروپا برای چنین منظوری به پیمان نظامی موجود، ناتو تکیه می کند.

اما بطوریکه رئیس کمیته نروژی نوبل، توربرن یاگلاند اعلام کرد، مبارزه موفقیت آمیز در راه برقراری صلح و حل صلح آمیز مناقشات، دموکراسی و حقوق بشر بزرگترین دستاورد اتحادیه اروپا بشمار می آید. در جمله بندی جایزه گفته می شود: «جایزه صلح سال ۲۰۱۲ بخاطر متحد ساختن اروپا و تبدیل آن از قاره جنگ به قاره صلح، به اتحادیه اروپا اعطاء می گردد».

حیرت انگیز است!

اروپا، زمانیکه فاشیسم آلمان در سال ۱۹۴۵ در هم کوبیده شد، «از قاره جنگ به قاره صلح» تبدیل گردید. آنوقت هیچ نشانی از اتحادیه اروپا وجود نداشت. جامعه کشورهای اروپائی، بعدها در دوره رویارویی دو بلوک، در سند نهائی کنفرانس سال ۱۹۷۵ هلسنیکی، در سند تا کنون معتبر، اگر چه غرب از مدتها پیش زیر پا گذاشته، مطرح گردید.

آشفستگی نظم بین المللی اروپائی پس از آنکه میخائیل گارباچوف، برنده آینده جایزه نوبل و تیم او پیمان ورشو و بدنبال آن، اتحاد شوروی را منحل کردند، شروع شد. و این آشفستگی بلافاصله پس از پاک کردن ابرقدرت شوروی از نقشه جهان آغاز گردید. هیچکس سهم بزرگ آلمان و دیگر کشورهای اروپائی در مثله کردن یوگسلاوی و برافروختن آتش جنگ در میان اجزاء آن را فراموش نکرده است. علاوه بر این، بمباران ۷۹ روزه یوگسلاوی به بهانه «مبارزه

برای دموکراسی و حقوق بشر» در «قاره صلح» سازماندهی شد. این، اولین جنگ پس از جنگ جهانی دوم در اروپا بود و آن را ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا با برنامه قبلی، برای پاک کردن رژیم سلابادان میلوشوویچ از روی زمین که مانع اصلی در ترسیم نقشه موزائیکی بالکان بود، براه انداختند.

فراموش کردن تاریخ ماجراجویی سال ۱۹۹۹ ناتو- اتحادیه اروپا در یوگسلاوی را، که در واقع تاریخ نظامیگری جدید آورو- آتلانتیک در پوشش حفاظت از صلح بود، به ما تلقین می کنند. در پی اعطای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا، بویژه در برلین شادمانی می کنند. زیرا، سازمان آدمکشان کوزوو، که منطقه باستانی صرب را در خون خود غرقه ساخت، دقیقا بدست آلمانی ها تشکیل گردید. چرا که اردوگاه «فراریان آلبانی» را دقیقا در قلمرو آلمان تشکیل داده و بمنظور اعزام به کوزوو از راه ایتالیا و آلبانی، به سلاحهای خریداری شده با پول آلمان تسلیح کردند.

سپس جنگی شروع شد که هزاران صرب را بکام خود کشید، و کشورهای عضو اتحادیه اروپا فعال ترین شرکت کنندگان این جنگ بودند. اینک آنها دست آموز خود، هاشم تاچی را می چرانند. هم اکنون این شبه نظامی سابق «ارتش آزادیبخش کوزوو» فقط در پریشترین پناه نگرفته، بلکه قدم در راه بزرگی نهاده و باز هم راهزنی می کند اما، نه فقط در آمریکا، بلکه در اروپا هم.

هم اکنون سازمانهای امنیتی اروپائی از دست مافیای مواد مخدر کوزوو ناله می کنند، اما این، تازه آغاز کار است. رژیم هاشم تاچی بزرگترین «ارمغان» خود برای «قاره صلح» را در صربستان جنوبی و مقدونیه آماده می کند و سپس کار خود را در یونان و ایتالیا ادامه خواهد داد. چرا؟ برای اینکه کار دیگری از دستش بر نمی آید. همه سران این رژیم از میان متجاوزان به عنف و قاتلان برخاسته اند و چنین نیز خواهند ماند.

آیا ما هم همه اینها را امروز «مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر» می نامیم؟

کشورهای انگلیس و فرانسه، عضو اتحادیه اروپا نقش اصلی را در سرنگونی دولت قانونی لیبی ایفا کردند. این درست است که جمله بندی کمیته نوبل ظاهرا با این مسئله ارتباط ندارد. زیرا، لیبی در قاره دیگری واقع است و رویدادهای ناشی از قوانین ژئوپلیتیک در سواحل جنوبی دریای مدیترانه لزوما مخ ساکنان سواحل شمالی آن را از کار انداخته است.

در هر حال، مهم این است که هنگام تصمیم گیری برای اعطای جایزه صلح، در کمیته نوبل چه روی می دهد؟ آیا احتمال دارد که تمام رویدادهای آنجا با همه تمدن غربی رابطه مستقیم داشته باشد؟ این تمدن مرکب از دو نیمه (آمریکائی و اروپائی)، در سالهای اخیر به نوعی معتاد به مواد مخدر می ماند که در اثر خماری به حالت احتضار افتاده است. این معتاد

ابتدا در نتیجه زیاده روی در تزریق مخدر (دلار)، دچار افسردگی شد و سپس قلب آن در آمریکا، و اندامش در اروپا دچار تشنج گردید و تمام اعضای بدن این بیمار بخاطر یک چیز، یک دوز جدید ناله می کند.

یکی از شبکه های اجتماعی اینترنتی پس از انتشار این خبر حیرت انگیز نوشته بود: «بیچاره نوبل، پس از شنیدن خبر تبدیل کردن کمیته او به تیمارستان، شاید از مزار خود فرار کرده باشد».

البته، این سخن گزنده، شاید بی تأمل گفته شده ولی، این واقعیت که کمیته نوبل از مدتها پیش به یک ابزار مطیع تحریفات سیاسی در دستان کسانی تبدیل شده که بی صبرانه در صدد بدل کردن همه جهان به تیمارستان هستند، صحیح است.

متمم:

متاسفانه آقادی دمیتری سدوف بر خلاف تمام آثاری که از ایشان ترجمه کرده ام، در این مورد خاص بسیار خلاصه صحبت کرده و جنگهای اتحادیه اروپا در خارج از این قاره را در ردیف دستاوردهای «قاره صلح» برنشموده است.

در حالیکه همه کشورهای اروپائی از بیش از ده سال پیش در جنگ علیه مردم و استقلال افغانستان فعالانه شرکت می کنند، زنان، کودکان، جوانان و پیران این کشور بی دفاع آن را بی وقفه می کشند؛ درحالیکه آمریکا و انگلیس (عضو اتحادیه اروپا) با حمایت و پشتیبانی قاره اروپا عراق را به ویرانه تبدیل کردند و پس از قتل عام و فراری دادن چندین میلیون نفر از جمعیت آن، دهها هزار نفر تروریست و مزدور مسلح را برای ادامه کار خود در این کشور بجا گذاشتند؛ وقتی که نیروهای فرانسوی دولت ساحل عاج را سرنگون ساخته، معاون بانک جهانی را بریاست جمهوری آن بر گماردند و یا در مدت همین یک سال و نیم گذشته، با حمایت مالی، تسلیحاتی، تبلیغاتی آموزشی و اطلاعاتی تروریسم بین المللی، سوریه را تا کنون بدتر از عراق و سومالی ویران کرده اند، چگونه می توان اروپا را «قاره صلح» نامید؟ مگر زمانیکه مسئله حل و فصل سیاسی بحران سوریه مطرح شد، همین مقامات اروپائی و آمریکائی نبودند که مخالفان مسلح دولت سوریه را به ادامه جنگ فراخواندند؛ چه کسی عربده کشیهای مداوم مقامات انگلیس، فرانسه، آلمان...
اعضاء اتحادیه اروپا برای سرنگونی دولت سوریه را فراموش کرده است؟ مگر همین انگلیس عضو اتحادیه اروپا در اواسط ماه گذشته اعلام نکرد که ۵ میلیون پوند

برای تجهیز تروریست‌های در حال جنگ با سوریه به وسایل ارتباطی، کمک می‌کند؟ اروپا در کدام جنگ داخلی یا منطقه‌ای حضور مستقیم یا نیابتی نداشته و یا به حل و فصل صلح آمیز کدام مناقشه کمک کرده است؟

آیا همین ترکیه همسایه ما، با پشتیبانی و حمایت‌های اروپا و آمریکا نیست که از موضع‌گردن کلفتانه با سوریه صحبت می‌کند؟ آیا اسرائیل در تمام دوره موجودیت خود، فلسطینیان را بدون حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا و اروپا قتل عام می‌کند؛ خانه‌هایشان بر سرشان خراب می‌سازد؛ هر روز آراضی بیشتری از خاک فلسطین را به اشغال خود درمی‌آورد؟...

نه! جنگ و جنایت و اشغالگری همزاد اروپاست و تا زمانی که درب جهان بر پاشنه کنونی می‌چرخد، هر نامی که نه فقط کمیته نوبل، حتی هر نهاد دیگری به اروپا بدهد، هر جایزه‌ای هم اعطاء نماید، در ماهیت اصلی آن تغییری ایجاد نمی‌شود. اروپا، مهد جنایت و جنگ و استعمار بود، هست و خواهد بود. اما تا کی؟...

مترجم